

معرفی و نقد کتاب «صدر اسلام و زایش سرمایه داری»

مجتبی اصغری

| ۱۸۳-۱۱۳ |

Introduction and Critique of the Book « Early Islam and the Birth of Capitalism »

Mojtaba Asghari

Abstract: This article provides an introduction and critique of the book « Early Islam and the Birth of Capitalism » by Benedict Kohler. In this work, the author extensively uses historical evidence to argue that the motivation for wealth creation, entrepreneurship, engagement with free markets, and global trade has roots in the teachings of Islam and the culture of early Islamic centuries. In doing so, he critiques and complements Max Weber's idea in the famous book «The Protestant Ethic and the Spirit of Capitalism» and attempts to demonstrate that the origin of capitalism can be traced back not to the era of the Protestant Reformation in Europe but to the early Islamic period in the Arabian Peninsula. Although this book is a noteworthy interdisciplinary research with many innovative points, some serious criticisms can be addressed, including the lack of reference to primary sources, overlooking ongoing debates and ambiguities regarding the history of Islam due to the insufficient availability of clear and sufficient evidence from the first two centuries of Islam, the relatively low reliance of the author on Quranic verses, neglecting a nuanced understanding of capitalism, and adopting a reductionist approach towards religion in downplaying its role to mere ideology.

Keywords: Islam, capitalism, market, trade, Europe.

چکیده: مقاله حاضر به معرفی و نقد کتاب «صدر اسلام و زایش سرمایه داری» اثر «بنديکت کهلر» می پردازد؛ نویسنده در این کتاب با شواهد فراوان تاریخی تلاش دارد تا نشان دهد انگیزه خلق ثروت، کارآفرینی، مناسبات بازار آزاد و تجارت جهانی، در آموزه های اسلام و فرهنگ قرون اولیه اسلامی ریشه دارد، از این حیث کار او نقد و تکمیل ایده «ویر» در کتاب معروف «اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه داری» محسوب می شود و می کوشد نشان دهد منشأ سرمایه داری، نه به دوران ظهور پروتستانتیسم در اروپا، بلکه به دوران صدر اسلام در شبه جزیره عربستان بازمی گردد. با آنکه کتاب حاضر، تحقیقی میان رشته ای، قابل توجه و حائز انبوهی از نکات بدیع است، با این حال چند نقد جدی می توان به آن وارد دانست؛ از جمله: عدم رجوع به منابع دست اول، فائق نیامدن بر بر مجادلات و ابهامات نوپدید پیرامون تاریخ اسلام مبنی بر دسترس نبودن شواهد کافی و شفاف از دو قرن اولیه اسلامی، میزان پایین استنادات نویسنده به متن قرآن، عدم توجه به تدقیق مفهوم سرمایه داری و رویکرد تقلیل گرایانه نسبت به دین در فروکاستن آن به ایدئولوژی.

واژگان کلیدی: اسلام، سرمایه داری، بازار، تجارت، اروپا.

مقدمه

کتاب صدر اسلام و زایش سرمایه‌داری (Erly Islam and the birth of capitalism) اثری مهم و درخشان از بندیکت کهلر نویسنده آمریکایی تبار ساکن آلمان است که در سال ۲۰۱۴ میلادی منتشر شده بود و به تازگی نسخه فارسی آن با همت نشر نی و با ترجمه جعفر خیرخواهان و محمد ماشین‌چیان به بازار آمده است. نسخه فارسی این اثر در ۳۸۲ صفحه تنظیم شده است که دربرگیرنده مقدمه مترجمان، بیست و پنج فصل و نتیجه‌گیری است.

معرفی کتاب

ایده محوری این کتاب چنانچه در کتاب نیز به آن اشاره می‌شود، با تحلیل ماکسیم رودنسون در کتاب اسلام و سرمایه‌داری که مدعی بود نهادهای سرمایه‌داری و بازارهای آزاد در صدر اسلام ریشه دارند، قرابت دارد (کهلر، ۱۴۰۲: ص ۳۳۸). همچنین نویسنده اذعان دارد نیم‌نگاهی به کتاب اقتصاد ما (اقتصادنا) اثر مشهور آیت‌الله محمد باقر صدر داشته است و از مطالب این کتاب چنین برداشت کرده است که از منظر محمد باقر صدر، اسلام در عصر ظهور خویش بر سرمایه‌داری صحه گذاشته است؛ اما مسلمانان بعدها آن را رد و انکار کرده‌اند (همان، ص ۳۵۲). نویسنده در این کتاب با شواهد فراوان تاریخی تلاش دارد نشان دهد انگیزه خلق ثروت، کارآفرینی، مناسبات بازار آزاد و تجارت جهانی در آموزه‌های اسلام و فرهنگ قرون اولیه اسلامی ریشه دارد و بر این اساس تمایل دارد به نوعی خطی را که ماکس وبر^۲ (۱۸۶۳-۱۹۲۰)، جامعه‌شناس شهیر آلمانی بیش از یکصد سال پیش در کتاب معروف اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه‌داری برای ردیابی سرمایه‌داری پی گرفته بود، نقد و تکمیل کند و نشان دهد منشأ سرمایه‌داری نه به جریان پروتستان‌تیسیم در اروپا، بلکه به پیش از آن بازمی‌گردد.

نویسنده معتقد است ورنر سومبارت^۳ (۱۸۶۳-۱۹۴۴) به درستی ریشه سرمایه‌داری را به ایتالیای قرون وسطا نسبت داده است (همان، ص ۵۶)؛ همچنین او از سخنان آدام اسمیت^۴ اقتصاددان مشهور گواهی می‌آورد که به رونق تجارت در ایتالیای قرون وسطا اذعان داشته است (همان، ص ۳۳۷)؛ اما تلاش کهلر معطوف بر این است نشان دهد باید منشأ تحولات در ایتالیای قرون وسطا، در تحولات جوامع اسلامی آن روزگار دنبال شود؛ بنابراین در این راستا می‌کوشد نشان دهد تعاملات فرهنگی و اقتصادی ممالک جهان اسلام با اروپا و خطی تمدنی که از مکه تا ونیز، از زمان ظهور اسلام تا وقوع جنگ‌های صلیبی (قرون پنجم تا هفتم هجری) امتداد یافته بود،

1 . Benedikt koehler.

2 . Max Weber.

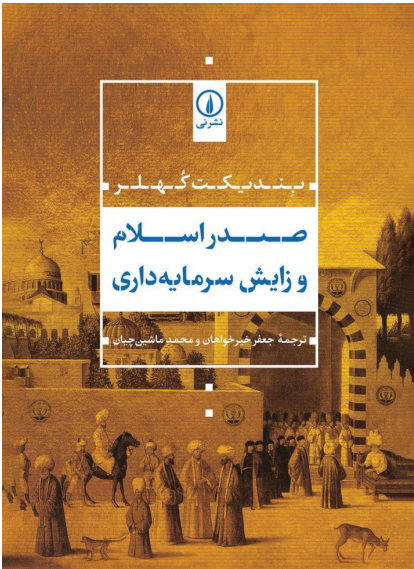
3 . Werner Sombart.

4 . Adam Smith.

چگونه بذر سرمایه‌داری را در دل اروپا کاشته است. این نظریه از جهاتی شباهت‌هایی قابل تأمل با دیدگاه مرحوم دکتر علی شریعتی دارد که معتقد بود جریان آزاد تجارت و بورژوازی در اروپا، زائیدهٔ تماس فرهنگی و اقتصادی میان جوامع اسلامی و کشورهای اروپایی، به‌ویژه در دوران جنگ‌های صلیبی بوده و حتی جریان بازنگری دینی در اروپا یعنی پروتستانتیسم، به نوعی، اسلامیزه‌شدن مسیحیت است (شریعتی، ۱۳۸۸: ص ۶۸).

نویسنده در فصول نخست کتاب، «فراست تجاری» شبه جزیره عربستان را پیش از ظهور اسلام ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد اعراب شبه جزیره قرن‌ها پیش از اسلام بادبان‌های کشتی‌ها را برمی‌افراشتند و از مسیر پرمخاطرهٔ اقیانوس به سمت چین و هند می‌رفتند و کالاهایی همچون ابریشم، عطر و ادویه‌جات را به سرزمین‌های خود می‌آوردند؛ بخشی از این کالاها در بازارهای مکه - که مهم‌ترین شهر تجاری شبه جزیره بود و از ممالک مختلف برای خرید و فروش به آنجا می‌آمدند - به فروش می‌رسید و بخشی دیگر در بازارهای شامات (روم شرقی). مزیت تجارت با اعراب برای رومی‌ها این بود که کالاهای شرقی ارزان‌تر به دست‌شان می‌رسید؛ چراکه حکومت‌های مستقر در ایران، بر کالاهای عبوری از مسیر جادهٔ ابریشم تعرفه‌های سنگین می‌بستند (کهلر، ۱۴۰۲: ص ۷۰). نویسنده با اشاره‌ها و ارجاع‌های مکرر به داستان‌های کهن همچون داستان هزارویک شب می‌کوشد نشان دهد کارآفرینی، ریسک سرمایه‌گذاری و تجارت از روحیات اعراب بوده و بعد از اسلام تقویت شده است. او سند باد را نمادی از جوهرهٔ اصلی کارآفرینی عرب و ماجراجویی متهور می‌داند که آسایش‌خانه را رها می‌کند و به سوی اقلیم‌های بیگانه بادبان می‌کشد و دربارهٔ او می‌نویسد: «این تاجران عرب بودند که سوداگری و کارآفرینی را بنیان نهادند و این همانا سنجیدن مخاطرات پیش‌روست ... پاداش‌ها به قیمت مخاطره‌کردن‌های بسیار به دست می‌آیند و در چشم برهم‌زدنی می‌توانند از دست بروند. عرب‌ها به این مخاطرات «حَزْر» می‌گفتند که به شکل «hazard» به دست ما (غربی‌ها) رسیده است» (همان، ص ۵۰ و ۵۱).

کهلر برای توضیح اینکه پیدایش اسلام چگونه به تقویت این روحیه دامن زده است، به تبیین اصل و نسب و سپس ترسیم شخصیت حضرت محمد (ص) می‌پردازد و ایشان را «نوادهٔ سلسله‌ای از کارآفرینان برجستهٔ عرب» معرفی می‌کند. توصیف زندگانی قُصی بن کلاب، هاشم بن عبدمناف و عبدالمطلب، اجداد پیامبر (ص) که همگی تاجران برجسته بودند و نیز توضیح دربارهٔ اینکه پدر ایشان - جناب عبدالله - تاجری جوان بوده است و در مسیریکی از سفرهای تجاری خویش از دنیا رفته است، به این ختم می‌شود که محمد (ص) از نوجوانی دارای روحیهٔ تجارت و کسب و کار بود و مهارت و کاربلدی ایشان سبب شده است تا زمینهٔ تجارت ایشان در کاروان خدیجه (س) و در نهایت ازدواج این دو با یکدیگر - با وساطت جناب ابوطالب - مهیا شود. نویسنده با رجوع مفصلی که در اثر خود به منابع اسلامی و غیراسلامی داشته است، بیان می‌دارد محمد (ص) از



عنوان جوانی همراه با یک شریک اقتصادی به تجارت چرم اشتغال داشت؛ حتی این تجارت را تا سال‌های نخستین بعثت و تا پیش از آغاز تحریم سه‌ساله اقتصادی ادامه داده است. کهلر می‌نویسد: «[محمد (ص)] پس از ازدواج توانست نزدیک کعبه و در محبوب‌ترین محله مکه اقامت گزیند و در خانه‌ای زندگی کند که باغچه داشت و نزدیک انبار کالایش بود. او علاوه بر شش فرزند که از خدیجه داشت، دو فرزند را هم به فرزندخواندگی پذیرفت ... او [پیش از چهل سالگی] در مسابقات اسب‌سواری شرکت می‌کرد، لباس ابریشمی می‌پوشید و توان مالی برای خرید عطر داشت» (همان، ص ۸۹). او همچنین به اشتها پيامبر (ص) در امر تجارت اشاره می‌کند و بیان می‌دارد: «اشتغال او به تجارت آن‌چنان روشن و آشکار بود که خرده‌گیرها از غرق شدن او در تجارت برای مخدوش کردن اعتبارش استفاده کردند. طبق این آیات مخالفانش می‌گفتند: چرا این پیامبر غذا می‌خورد و در بازارها راه می‌رود؟ ... [فرقان:

۱۷]» (کهلر، ۱۴۰۲: ص ۸۷). بر این اساس نویسنده معتقد است پیامبر اسلام سی سال تجربه تجارت را با ندای درونی و وحی الهی آمیخت؛ از این رو دین اسلام از روز اول رویکردی گشوده نسبت به کار و تلاش و تولید ثروت داشته است. نویسنده با اذعان به اینکه حضرت محمد (ص) همواره و به ویژه در دوران نبوت، زندگانی ساده و معمولی داشته است؛ ایشان را هنگام وفات «ثروتمندترین مرد عرب» توصیف می‌کند و البته توضیحاتی مبسوط نیز درباره اهمیت سهم یک پنجمی که از غنائم غزوات (بعد از هجرت) به ایشان اختصاص می‌یافت، ارائه می‌دهد (همان، ص ۱۱۲).

نویسنده به دو نهادی که پیامبر اسلام در مدینه تأسیس کرد، اشاره می‌کند: مسجد و بازار آزاد. به ادعای کهلر، مدینه پیش از هجرت مسلمانان به آنجا، چهار بازار داشته است که همگی تحت تأثیر قواعد فقهی دین یهود و البته قواعد دیرین مسلط بر تمدن بین‌النهرین - از زمان حمورابی تا آن زمان - سازوکارهای قیمت‌گذاری داشتند و حتی میزان سود فروشنده را به میزان یک ششم هزینه تولید تعیین کرده بودند؛ اما محمد (ص) بازار پنجمی را در محوطه‌ای وسیع در مدینه تأسیس می‌کند که در آن، تعیین قیمت و اخذ مالیات از خرید و فروش‌ها ممنوع بود (همان، ص ۶۲ و ۹۸). کهلر همچنین به بیان ماجرای وقوع یک قحطی گسترده در مدینه می‌پردازد که سبب شده بود مسلمانان به سبب نگرانی از کمبود کالا و احتکار، قیمت‌گذاری دستوری را از پیامبر مطالبه کنند؛ اما پیامبر این امر را به وحی الهی منوط می‌کند و زمانی که پاسخی از آسمان دریافت نمی‌کند، می‌گوید: «قیمت‌ها دست خداست»؛ به این معنا که ما نمی‌توانیم در تعیین قیمت‌ها دخالت کنیم (همان، ص ۶۳). با این وجود کتاب به ناظرانی اشاره می‌کند که «محتسب» نامیده

می‌شدند و از سوی پیامبر و بعدها از جانب خلفا، مأموریت اعطای مجوزهای تجاری را داشتند و کارشان بازرسی اوزان، مقیاس‌ها و تعقیب بدهکاران متخلف بود (همان، ص ۲۶۴).

کتاب حاضر دوران پس از وفات پیامبر اسلام را به سه دوره خلفای راشدین، خلافت امویان و خلافت عباسیان تقسیم می‌کند و به تداوم پیشرفت اقتصادی مسلمانان در سال‌های بعد از پیامبر اشاره می‌کند. به ادعای کهلر، عُمَر - خلیفه دوم - بندر بصره را برای توسعه تجارت در عراق تأسیس کرد (همان، ص ۷۰)؛ نیز برای بهینه بودن جمع‌آوری مالیات و خراج، سازوکارهای منضبط اداری به وجود آورد و نخستین طرح مستمری دولتی را در جهان اجرا کرد که طبق آن، هر کسی ماهانه از بیت‌المال مقرری دریافت می‌کرد (همان، ص ۱۴۲ و ۱۴۳). نویسنده به اعزام هیئت تجاری مسلمانان در سال ۶۵۱ میلادی (مقارن با خلافت عثمان، خلیفه سوم) به چین نیز اشاره می‌کند که نشان از گسترش فعالیت‌های تجاری مسلمانان در آن عصر است. با این وجود کتاب حاضر، پیشرفت اقتصادی را در دوران سی‌ساله خلفای راشدین، در برابر دوران امویان و عباسیان کم‌رقم‌تر و کم‌فروغ‌تر توصیف می‌کند. به اعتقاد کهلر، این مهم با درک نابسامانی‌ها و آشفتگی‌های سیاسی ناشی از بحران جانشینی حضرت محمد (ص) و خصوصیات شخصیتی خلفای راشدین که در نظرگاه نویسنده جملگی زندگانی بسیار زاهدانه‌ای داشته‌اند، قابل فهم است.

از نظرگاه نویسنده، دوران خلافت عبدالملک ابن مروان (۶۶ تا ۸۶ هجری قمری) خلیفه اموی، نقطه عطف در توسعه اقتصادی جوامع اسلامی بوده است؛ چرا که در این دوران نخستین سکه‌های طلا با نام و نشان مسلمانان و به دست خودشان ضرب می‌شود و پول رایج رومی از سکه می‌افتد (همان، ص ۱۸۹). نویسنده معتقد است از این دوران به بعد، تجارت آزاد با دنیای مسیحیت و اروپا شتاب گرفت و بعدها در دوران عباسیان به طور مشخص در دوران خلافت هارون الرشید (۱۷۰ تا ۱۹۳ هجری قمری) به واسطه ارتباطات دیپلماتیک دستگاه خلافت با دربار شارلمانی پادشاه مقتدر اروپای غربی، مناسبات اقتصادی و فرهنگی میان جوامع اسلامی و اروپاییان وارد مرحله جدیدی شد (همان، ص ۲۷۱).

نویسنده، فصلی از کتاب را به پیدایش مناسبات بانک‌داری در عراق در دوران شکوفایی تمدن اسلامی اختصاص داده است. به بیان کتاب، طبقه‌ای از پیشه‌وران با عنوان «جهبذان» شکل می‌گیرد که صرافان ماهری بودند و مهارت تشخیص سره از ناسره داشتند و می‌توانستند سکه‌های اصل را از بدل متمایز کنند (همان، ص ۱۹۶)؛ همچنین این گروه از صرافان پایه‌گذار استفاده از سفته بودند؛ تاجران می‌توانستند در بغداد سپرده‌ای نزد یک جهبذ بگذارند، این جهبذ دستور پرداختی می‌نوشت و برای طرف معامله‌ای مثلاً در بغداد می‌فرستاد تا مقدار سپرده را به ذی‌نفع معینی بپردازد؛ در نتیجه کسی که حسابی نزد یک جهبذ داشت، می‌توانست پولی را از بغداد به بصره بفرستد بدون اینکه خطر جابجایی آن را به جان بخرد. به اعتقاد نویسنده آنچه

سبب کارایی بازار سفته می‌شد، شبکه‌ای از کارگزاران معین بود که باید سفته‌ها را در شهرهای مختلف نقد می‌کردند (همان، ص ۲۰۵). نویسنده از قول ناصر خسرو - سیاح ایرانی - که در بصره شاهد خرید جنس بدون پرداخت پول نقد بوده است، می‌نویسد: «و حال بازار آنجا چنان بود، که آن کس را که چیزی بودی به صراف دادی و از صراف خط بستندی و هرچه بایستی بخردی و بهای آن بر صراف حواله کردی و چندان که در آن شهر بودی، از خط صراف چیزی ندادی» (همان، ص ۲۰۶). نویسنده همچنین به این مهم اشاره می‌کند که جهیزان بعد از مدتی به این فکر افتادند که بهره بدهند و بهره بگیرند؛ اما توضیحات کتاب برای فهم اینکه آنان چگونه توانستند با وجود حرمت ربا به این ابداع دست بزنند، کافی نیست (همان، ص ۲۰۸).

فصول پایانی کتاب به تأثیر جنگ‌های صلیبی بر اقتصاد اروپا اختصاص دارد؛ نویسنده مکانیزم‌هایی را توضیح می‌دهد که از مجرای آنها جوامع اروپایی به پویایی، رشد و شکوفایی اقتصادی رسیده‌اند. سازوکارهای تهیه اسلحه و آذوقه و ارائه خدمات پشتیبانی به سپاهیان صلیبی در جنوب اروپا، فرصتی را برای بندر نشین‌های ایتالیایی مهیا می‌کرد تا اقتصاد خود را بهبود بخشند؛ و نیزی‌ها قوم پیشرو در این زمینه بودند (همان، ص ۲۸۸). مکانیزم دیگر، تبادلات گسترده فرهنگی و اقتصادی میان مسلمانان و صلیبیون در شام، فلسطین و آناتولی (ترکیه امروزی) بود؛ مناطقی که بر اثر جنگ‌های طولانی همواره میان مسلمانان و صلیبیون دست به دست می‌شد؛ اما جریان تبادل فرهنگی و تجارت آزاد در این مناطق، میان پیروان اسلام و مسیحیت هیچ‌گاه قطع نشد. نمونه‌ای از این تبادلات فرهنگی، سفر فرانسیس ق‌دیس (پدر معنوی فرقه فرانسیسکن‌ها) در سال ۱۲۱۹ میلادی به مصر و شام است. او برای مباحثه با مسلمان‌ها آمده بود؛ اما در عوض حاکم وقت مصر او را به مناظره دعوت کرد. دعوت به گفتگو و مناظره، به جای تمسک به کرامت و معجزه، رویکردی بود که می‌توانست در بنیان‌های کلیسای قرون وسطا تحولی شگرف ایجاد کند. از دیگر سو، فرانسیس در فلسطین با نهادهای موقوفه‌ای مواجه شد که پیش‌تر سازوکارهای مشابه آن را هرگز ندیده بود. وی پس از بازگشت به اروپا، از تمام املاک و دارایی‌های خود سلب مالکیت کرد و انتفاع از آنان را به عموم جامعه واگذار کرد. به اعتقاد نویسنده، این امر سرآغاز تحولی حقوقی بود که به پیدایش مفهوم شخصیت حقوقی و بعدها به پیدایش مفهوم «شرکت» در اروپا منجر شد (همان، ص ۳۲۸ و ۳۲۹). نویسنده همچنین به مشاهدات ابن جبیر سیاح مسلمان اشاره می‌کند که در سفر خود از شام به فلسطین، در بحبوحه جنگ بی‌امان میان صلاح‌الدین ایوبی و صلیبیون، مشاهده کرده بود تجارت بلا مانع ادامه دارد. ابن جبیر با شگفتی نوشته بود: «میان مصر و دمشق کاروان‌هایی پی‌درپی در سفرند، از اراضی [اشغال شده توسط] فرانسویان عبور می‌کنند و ایشان (مسلمانان) مانع عبور آنها نمی‌شوند... در سرزمین‌های مسلمان نیز کسی مانع تجارت مسیحی نمی‌شود» (همان، ص ۲۹۹).

نویسنده در بخش نتیجه‌گیری کتاب به دلایل افول اقتصاد جوامع اسلام می‌پردازد و سه دلیل عمده را برای این امر برمی‌شمرد: دلیل اول: حمله مغول‌ها به ممالک اسلامی در قرن هفتم هجری که خساراتی جبران‌ناشدنی برجای می‌گذارد.

دلیل دوم: توسعه توان دریاوردی توسط پرتغالی‌ها که توانستند دماغه امید نیک را دور بزنند و از آنجا به اقیانوس هند برسند؛ این اقدام به میزان قابل توجهی مزیت تجاری مسلمانان را که پلی میان چین و هند و اروپا بودند، کاهش داد؛ همچنین در این دوران، توجه اسپانیایی‌ها نیز به قاره تازه کشف شده آمریکا جلب می‌شود.

دلیل سوم: غالب شدن تفکر جبرگرایی و تقدیرگرایی میان مسلمانان که ریشه در منازعه دیرین معتزله و اشاعره داشت و نشان از چیرگی تفکر اشاعره در این جدال تاریخی بود (همان، ص ۳۴۴ تا ۳۴۷).

نقد کتاب

با مقدمه پیش‌گفته، به اجمال می‌توان چهار نقد عمده را بر این اثر مهم و درخور توجه وارد دانست: نخست: باید اذعان کرد که هرچند مروری روش‌مند، بسیار وسیع و با دقت بر منابع اسلامی و غیر اسلامی داشته است، نتوانسته است بر مجادلات و ابهامات نوپدید پیرامون تاریخ اسلام، مبنی بر درست‌تر نبودن شواهد کافی و شفاف از دو قرن اولیه اسلامی فایق آید. او همچون بیشتر آثار اسلام‌پژوهانه بر آن دسته از منابع اسلامی تکیه دارد که غالباً محصول قرن دوم هجری (هشتم میلادی) به بعد هستند. ضمن اینکه به اذعان مترجم، که هر در مراجعه به همین آثار نیز به منابع دست‌اول رجوع نمی‌کند، بلکه از منابع دست دوم (ترجمه شده به انگلیسی، آلمانی و فرانسوی) استفاده کرده است (همان، ص ۳۱)؛ بنابراین روش که هر، در مقابل فریبگی روش‌ها و رویکردهای جدید در مطالعه صدر اسلام، همچون روش کریستف لوکز نبرک در کتاب خوانش آرامی - شریانی قرآن (۲۰۰۶)، گورگ فیشر در کتاب در میان امپراتوری‌ها؛ عرب‌ها، رومیان و ساسانیان در عهد باستان متأخر (۱۴۰۰) و کریستین ژولین روبن در کتاب ۱۴۰۰ سال پادشاهی در عربستان پیش از اسلام (۱۴۰۰) که رجوع گسترده به کتیبه‌ها، سنگ‌نوشته‌ها، کتب بایبلی و رویکردهای زبان‌شناختی را با روش‌های موجود مطالعه تاریخ صدر اسلام آمیخته‌اند، نحیف است و طبعاً وثاقت بخشی از استنادات تاریخی‌اش محل مناقشه خواهد بود.

دوم: استنادات نویسنده به قرآن کریم، در جایگاه نص رسمی و سند بالادستی مسلمانان بسیار کم‌رنگ است؛ در حالی که قاعدتاً تحلیل مضمون آیات قرآن درک کامل و دقیق‌تری از نگاه اسلام اولیه به سرمایه داری و تجارت آزاد به دست می‌دهد؛ اما نویسنده ترجیح داده است به این حوزه وارد نشود که می‌تواند نقدی جدی بر کار او محسوب شود. همچنین از آنجاکه که هر عمدتاً در این

اثر به آن دسته از منابع اسلامی که فِرَق اهل سنت تألیف و تدوین کرده اند، مراجعه کرده است و اگرچه به روشنی سعی خود را بر انصاف و پرهیز از ورود به مجادلات فرقه‌ای در اسلام گذاشته است، متأسفانه در سرتاسر اثر خود هیچ ارجاعی به سخنان یا سیره اقتصادی ائمه شیعه ندارد؛ در حالی که جایگاه علمی و عملی امامان شیعه حتی نزد مخالفان شان و دستگاه خلافت اموی و عباسی، مشهود و محفوظ بوده است و در طول تاریخ اسلام، همه فرق اسلامی دست کم در جایگاه «علمای ابرار» بر جایگاه ایشان تأکید داشته‌اند. از همه مهم‌تر در کتاب حاضر به اندیشه و سیره اقتصادی علی (ع) توجه کافی نشده است؛ در حالی که ایشان امام اول شیعیان و خلیفه چهارم مسلمانان و شخصیتی بود که به گواه منابع اهل سنت، پیامبر اسلام در شأن ایشان فرموده بود: «أَنْتَ تَبَيَّنَ لِأُمَّتِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ بَعْدِي: تُو دِرْبَارَةُ أَنْجِهْ أَمْت مَن بَعْدَ أَمْنِ دِجَارِ اخْتِلَافِ مِي شُونْد، وَظَلِيْفَةُ تَبْيِيْنِ دَارِي» (مستدرک الصحيحین: ج ۳، ص ۱۲۲). نویسنده نه تنها به اندازه کافی به تبیین سیره اقتصادی علی (ع) نپرداخته است، بلکه در همان توضیحات مختصر خود، تصویری مخدوش و نادقیق ارائه کرده است؛ به گونه‌ای که در کتاب حاضر، در مقایسه با پیامبر اسلام و سایر چهره‌های اسلام و سایر خلفا، چهره‌ای کاملاً «آخرت‌گرا» و غیراقتصادی از امام اول شیعیان ارائه می‌شود (کههله، ۱۴۰۲: ص ۱۶۲).

سوم: به نظر می‌رسد هر اندازه کتاب حاضر با بیانی شفاف، رسا و منظم به تبیین و پیگیری مدعای خود در فرهنگ اسلامی می‌پردازد، در تبیین تئوریک اصل ادعای خود یعنی مفهوم «سرمایه داری» (capitalism) تلاشی نکرده است و مخاطب در برابر تعریف مورد نظر مؤلف از سرمایه داری، در هاله‌ای از ابهام و تعلیق می‌ماند. بر اساس آنچه در مقدمه مترجمان هم به آن اشاره شده است، به نظر می‌رسد نویسنده این تعریف هایدک از سرمایه داری را مدنظر قرار داده است که سرمایه داری یک نظم اقتصادی و اجتماعی با محوریت بازار است (همان، ص ۳۲)؛ اما با این وجود تعریف سرمایه داری در علوم اجتماعی و اقتصادی، طی دو سده اخیر آنچنان سیال و متغیر بوده است که به نظر می‌رسد ضرورت داشت نویسنده در شروع بحث خود، مروری بر ادبیات بحث داشته باشد و در نهایت به تبیین مؤلفه‌هایی از سرمایه داری بپردازد که برای ارتباط صدر اسلام با آن مدنظر دارد. چهارم: باید توجه داشت سرمایه داری - خوب یا بد - یک ایدئولوژی است و دین هر چه باشد - چنان که عبدالکریم سروش در کتاب فربه‌تر از ایدئولوژی (۱۳۷۲) تبیین کرده است - فربه‌تر از ایدئولوژی هاست. از آنجاکه ضرورت ایدئولوژی‌ها، فروکاستن حقیقت ناواضح و تفسیر پذیر به چارچوبی مشخص است، یک ایدئولوژی نمی‌تواند به طور تمام و کامل از رویکرد یک دین که ناگزیر قرائت‌ها و برداشت‌های مختلفی از آن در طول تاریخ شکل گرفته است، نمایندگی کند. شاید این پرسش مطرح شود که آیا ماکس وبر نیز در اثر درخشان خود اخلاق پروتستانی و روحیه سرمایه داری دچار نسبت دادن ایدئولوژی به دین و نوعی از تاریخ‌پریشی شده است؟ در اینجا

ضروری به نظر می‌رسد تمایزی جدی میان کارماکس وبر و بندیکت کهلرگذارده و نظریهٔ وبر در کتاب مذکور به اختصار مرور شود؛ از دیدگاه وبر، سرمایه‌داری زاییدهٔ ذهنیت و اعتقاد خاص جریان پروتستان‌تیسیم در اروپا بود که زهد معنوی و آخرت‌گرایی را با تلاش برای کار و تولید ثروت درآمیخت. شاخه‌ای از پروتستان‌ها (فرقه‌های پیوریتان) جدیت در کار و تلاش را محترم می‌دانستند، شغل را به مثابهٔ تکلیف الهی می‌نگریستند و تولید ثروت می‌کردند؛ با این وجود زاهدانه می‌زیستند و از مال دنیا بهرهٔ چندانی برای خود نمی‌اندوختند؛ از این رو که در الهیات تقدیرگرایانهٔ پروتستانی، تنها نشان دادن جدیت در کار و تلاش بود که مشخص می‌کرد توفیق الهی برای رستگاری نهایی، برای فرد، مقدّر شده است یا نه (وبر، ۱۳۹۹: ۱ تا ۱۹). چنانچه مشاهده شد اولاً وبر از روحیهٔ سرمایه‌داری (Spirit of Capitalism) سخن می‌گوید و نه سرمایه‌داری (Capitalism) به مثابهٔ یک ایدئولوژی اقتصادی. ثانیاً از اخلاق و روحیات یک فرقهٔ خاص (پیوریتان‌ها) از یک شاخهٔ خاص (پروتستان‌تیسیم) در مسیحیت صحبت می‌کند و دربارهٔ کلیت مسیحیت سخن نمی‌گوید؛ در حالی که کهلر تنها از سرمایه‌داری و از کلیتی به نام اسلام اولیه سخن می‌گوید که به شدت تفسیرپذیر است و در اثر حاضر نیز به طور مشخص صدر اسلام به جنبه‌هایی از عملکرد پیامبر اسلام و تعدادی از خلفای اموی و عباسی محدود شده است؛ در حالی که به همهٔ جنبه‌های زندگانی پیامبر اسلام، متن کامل قرآن و سیرهٔ اقتصادی ائمه شیعه و شیعیان و گروه‌های مختلف فکری موجود در قرون اولیه اسلامی توجه کافی نشده است. باید توجه داشت اگر پروژهٔ پیوند اسلام و سوسیالیسم که توسط افرادی همچون محمد نخشب و دکتر علی شریعتی پیگیری شده بود، امروزه غالباً مورد نقد و طعن است، مربوط کردن سرمایه‌داری و اسلام نیز می‌تواند همان‌قدر محل نقد و مناقشه باشد.

ذکر این نکته خالی از وجه نیست که ماکس وبر پیش از انتشار کتاب جامعه‌شناسی دین که ذیل آن به تحقیقی جامع درباره اسلام مشغول بود، درگذشت و تنها یادداشت‌هایی پراکنده از او دربارهٔ نسبت دین اسلام و توسعهٔ سرمایه‌داری باقی ماند. تعلیقات وبر در باب اسلام به دو بخش تقسیم می‌شوند: تعلیقات مربوط به مسلمانان اولیه و تعلیقات درباره ساختار اقتصادی - سیاسی جوامع اسلامی در سده‌های میانه. از نظر وبر مسلمانان اولیه تحت تأثیر آموزه‌های پیامبر اسلام و قرآن، فاقد هیچ نوع ریاضت‌کشی آخرت‌گرایانه یا دنیا‌گرایانه بودند و از آنجاکه ریاضت‌کشی این جهانی شرط لازم برای توسعه سرمایه‌داری عقلانی است، اسلام نخستین بار روحیات لذت‌جویانه‌اش نمی‌توانست بستری برای سرمایه‌داری عقلانی باشد. همچنین به اعتقاد او، وجود ساختارهای سیاسی خودکامه و موروثی و به تبع آن، محدودیت تجارت آزاد و نیز فتوای الهیهٔ مبتنی بر موقوفات، از جمله عواملی بودند که اجازه نداد جوامع مسلمان در سده‌های میانی پیشرفت کنند (ترنر، ۱۳۹۱: ص ۴۵-۷۱).

در مجموع با وجود نقدها باید گفت کتاب صدر اسلام و زایش سرمایه‌داری تحقیقی میان‌رشته‌ای، قابل توجه و حایز انبوهی از نکات بدیع است که می‌تواند برای دانشجویان، دانش‌پژوهان، اساتید

و عموم علاقه‌مندان در رشته‌های علوم اجتماعی، اقتصاد، مطالعات فرهنگی و مطالعات اسلامی مفید باشد.

کتاب‌نامه

- ترنر، برایان (۱۳۹۱ ش)؛ وبر و اسلام؛ مترجمان: حسین بستان، علی سلیمی، عبدالرضا علیزاده و همکاران؛ چ پنجم، ویراست دوم، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۷۲ ش)؛ فربه‌تراز ایدئولوژی؛ چ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
- شریعتی، علی (۱۳۸۸ ش)؛ ریشه‌های اقتصادی رنسانس؛ چ اول، تهران: گام نو و بنیاد شریعتی.
- کهلر، بندیکت (۱۴۰۲ ش)؛ صدر اسلام و زایش سرمایه داری؛ مترجمان: جعفر خیرخواهان و محمد ماشین‌چیان؛ چ اول، تهران: نشر نی.
- وبر، ماکس (۱۳۹۹ ش)؛ اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری؛ مترجمان: عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی؛ چ نهم، تهران: علمی و فرهنگی.